



روزنامه «السفير» لبنان روز گذشته تیرت یک خود را به انتخابات در جنوب این کشور و حضور ۵۰ درصدی لبنانی‌ها اختصاص داد و تیتیر زد: «انتخابات در جنوب لبنان: نشاط سیاسی و انضباط امنیتی». «واشنگتن عازم الرقه می‌شود، داعش تهدید کرد» و «شام سفیر سعودی و مستخراتی سید حسن نصرالله، سوریه نقطه فصل» تیرتهای دیگر این روزنامه بودند.

عکس یک «فاینشال تایمز»، عکسی از دکترهای پوشیده در لباس‌های محافظت کننده از پرروس‌های واگیردار است. عکسی که بهانه‌اش، گزارش‌های درباره مبارزه با بیماری‌های واگیردار است و این تیتیر: «بانک جهانی به دنبال مبارزه علیه بیماری‌های واگیردار». هشارد وزیر دارایی انگلیس درباره شوک اقتصادی می‌تیرت دیگر این روزنامه است.



سرباز عراقی ایستاده روی یک تانک، عکس یک «وال استریت ژورنال» است و خبر از شروع عملیات آزادسازی فلوجه توسط ارتش عراق می‌دهد. گزارش دوم این روزنامه هم درباره کمک‌های مالی و نظامی افغانستان به گروه‌های جدایی طلب برای مبارزه با طالبان است؛ افغانستان تلاش می‌کند تا با این کمک‌ها، میان گروه‌های مختلف طالبان اختلاف ایجاد کند.



www.etemadnewspaper.ir

info@etemadnewspaper.ir

www.etemadnewspaper.ir

۵/۵۳/۱۲

اگان ظهیر: ۱۲/۱۰ | غروب آفتاب: ۲۰/۱۰ | افق مغرب: ۲۰/۱۰ | اگان صبح فردا: ۲۱/۱۱ | طلوع آفتاب فردا: ۵/۵۳/۱۲

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: الیاس حضرتی
 جانشین مدیرمسئول و رئیس شورای سیاستگذاری: بهروز بهزادی
 سردبیر: جواد دلبری
 معاون اجرایی: حجت طهماسبی
 مشاور مدیرمسئول: محمد حضرتی
 رئیس سازمان آگهی‌ها: علی حضرتی
 نشانی: خیابان ستارخان، خیابان کوثر دوم، پست‌مینو
 تلفن: خانه: ۶۶۱۲۴۰۲۵ - ۶۶۱۲۴۰۲۴ | فکس: ۶۶۱۲۴۰۲۱ | ایمیل: info@etemadnewspaper.ir
 توزیع: نشر گستر امروز | تلفن: ۶۱۹۲۳۰۰۰
 چاپ: نشر روزتاب | تلفن: ۲۴۵۴۵۰۷۶

ادامه از صفحه اول
قدم اول را محکم برداشتیم

۳- این قانون مصوب، در بعد سلبی نسبتاً دقیق و وسیع وارد تعریف جرم سیاسی شده و مصادیقی را که جرم سیاسی نیستند، به خوبی ترسیم کرده است اما در بعد ایجابی، بسیار محدود عمل کرده و بسیاری از فعالیت‌هایی را که در کشورهای دیگر به عنوان جرم سیاسی محسوب می‌شود، از دایره جرایم سیاسی خارج دانسته است. جالب اینکه حتی جرایمی را به عنوان جرم برشمرد که در قوانین عادی جرم تلقی نمی‌شود چه رسد به اینکه جرم سیاسی تفسیر شود.

۴- کنج‌نابین برخی تعابیر در تعریف جرم سیاسی، از ابداعات این قانون است. به کار بردن عبارت «بدون آنکه مرتکب قصد ضربه زدن به اصل نظام داشته باشد»، یک مفهوم غیر حقوقی است که از آن برداشت واحدی وجود ندارد و معلوم نیست که تشخیص آن با چه کسی است. در تعاریف رایج، «جرم سیاسی فعل یا ترک فعلی است که در مطابق قوانین موضوعه قابل مجازات است، هرگاه به‌انگیزه سیاسی علیه نظام سیاسی مستقر یا حاکمیت دولت یا مدیریت سیاسی کشور یا... از تکاب باشد». همچنین برای اینکه مسولان نتوانند هر نقد و انتقاد و اعتراض را جرم ولو سیاسی معرفی کنند، تأکید می‌شود که «صرف بیان عقیده و نظر در ارتباط با امور سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و نظایر آن و انتقاد از عملکرد مسولان امر و نهادهای قانونی مشمول عناوین مجرمانه نبوده و از این حیث قابل تعقیب و مجازات نیست». معلوم نیست با این گونه تعریف‌های خاص از جرم سیاسی، آیا محاکم مافارند هیچ جرمی را سیاسی تلقی کنند؟

۵- در هنگام تهیه لایحه جرم سیاسی، برخی کارشناسان بر این عقیده بودند که اگر فرآیند است قانون جرم سیاسی باضعف‌های بارز به تصویب برسد، بهتر است هیچ قانونی تصویب نشود همان گونه که تاکنون چنین قانونی نداشتیم. در مقابل برخی معتقد بودند که بهتر است یک کار برای تصویب این قانون برداریم و اصل آن را از تأیید شورای نگهبان بگذرانیم و اگر لازم بود می‌توان در مجلس دیگر و در شرایط متفاوت، به اصلاح این قانون مبادرت کرد. به گمان ما اکنون کار از کار گذشته و گام اول هر چند ضعیف برداشته شده است. اکنون بهترین اقدام این است که ما مدتی را مصوری کنیم تا این قانون اجرائی شود و مثلا دوسال از اجرائی آن بگذرد. در مرحله بعد می‌توان با کار تخصصی و کارشناسی، این قانون را با توجه به نقایصی که در عمل مشاهده خواهد شد، مورد ارزیابی دوباره قرار داد و به اصلاح آن همت گماشت. شاید این کار یکی از مسوولیت‌های باشد که بر دوش مجلس دهم قرار می‌گیرد.

نگاه آخر
امیر حسین علم‌الهدی

فرهادی و سینمای ایران هر دو به هم محتاجند

ایا جویز سینمایی اصغر فرهادی طی سالیان گذشته حاصل کارکرد مطلوب دستگاه فرهنگی و هنری کشور است یا حاصل شرایط آن بخش از فعالیت سینمای ایران که به دولت وابسته نیست یا اینکه این موفقیت‌ها حاصل تلاش تک‌نفره و نبوغ اصغر فرهادی است که توانسته است تا بدین جا پیش آید و جویز معتبر داخلی و خارجی را از آن خود کند؟

پاسخ به این سوالات مستلزم بررسی و تحلیل زندگی و نوع فیلمسازی فرهادی است و نگاهی بدون تعصب به توليدات او و طی کردن پله‌های ترقی در سینمای ایران که بدون شک تنفس در این سینما توانسته است از فرهادی نمادی از سینمای ایران در محافل سینمایی خارج از کشور تبدیل کند.

دهه ۶۰ اصغر فرهادی، دانشجوی انجمن سینمای جوانان ایران بوده است که این انجمن زیرمجموعه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تأسیس شده است و تا امروز توانسته است هزاران دانشجوی سینما را آموزش دهد و ده‌ها سینماگر فعال را به سینمای ایران وارد کند و در شکل‌گیری سینمای فرهادی نمی‌توان شرایط آن زمان نادیده گرفت ولی اما مهم‌ترین چرخه‌های نگاه متفاوت فرهادی را باید با سریال «استان یک شهر» تلویزیون دنبال کرد که چنانچه این سریال نمی‌توانست به تولید برسد شاید فرهادی نمی‌توانست چنین استوار داستان‌های خود را روایت کند. پس تصمیم تلویزیون هم کار ساز بوده در سرنوشته فعلی اصغر فرهادی.

اما توليدات اولیه سینمایی اصغر فرهادی را نباید نادیده گرفت که در غنای سینمای او تأثیرگذار بوده است و بدون شک همراهان او در این فیلم‌ها در موفقیت فیلم‌ها سهم داشته‌اند.

این روند رو به رشد فرهادی حاصل نبوغ ذاتی او، همراهی مسوولانه دولت‌های وقت و همراهی دلسوزانه فعالان سینمایی در حین ساخت فیلم‌های فرهادی بوده است و بدون شک موفقیت‌های چندساله اخیر او حاصل فضای فعالیت در سینمای ایران بوده است که نام‌هایی چون عباس کبیراستیمی، داریوش مهرجویی، مجید مجیدی، فاطمه معتمدآریا و طیف زیادی از فعالان سینمای ایران که جویز ریز و درشت جشنواره‌های جهانی را از آن خود کرده‌اند و بدون شک این جویز مهم سینمایی بستری شده‌اند برای بلوغ و ظهور نبوغ فیلمسازی به نام اصغر فرهادی که توانسته است تکمیل‌کننده شایسته‌ای از بلوغ سینمای ایران در محافل سینمایی خارج از کشور باشد.

دست مرزبان به این فرزند خلف سینمای ایران که با پشتوانه‌های قوی سینمای ایران توانسته است بر چندار سینمای ایران در دهه ۹۰ شمسی و دهه ۲۰۱۰ میلادی باشد.

در پایان باید دوباره اذعان کنم که موفقیت‌های این فرزند خلف سینمای ایران حاصل پشتکار و ممارست و نبوغ او در درجه اول و تنفس او در میان سینماگران ایرانی و پشتوانه او با کسب جویز بیشمار سینماگرانی است که این فرزند خلف با تکیه بر این داشته‌های غرورانگیز توانسته است همچنان نام و یاد ایرانی را تاز فرهادی جهان زنده نگه دارد.

تاز فرهادی یک استثنا است و این موفقیت فقط حاصل تلاش اوست، نگاه رادیکالی به فعالیت‌های او است. خود فرهادی بارها ذکر کرده است که این موفقیت‌ها حاصل تلاش‌های تمام سینماگران ایرانی است و نباید فرهادی را از بدنه سینمای ایران جدا دانست و این مانعیت جدایی او از سینماگران ایرانی به دلیل موفقیت‌هایش نیست براساس فرهادی نتیجه‌ای خواهد داشت و نه برای سینمای ایران و باید پذیریم که فرهادی و سینمای ایران هر دو به هم محتاج هستند.

نقش رییس مجلس در توسعه مناسبات غلط سیاسی اجتماعی

پاسخ به نیازهای چهارگانه در ابتدا باید از سوی نمایندگان مجلس دهم در تغییر مناسبات درون مجلس و نه صرفا افراد و آن هم از طریق لایبگری داده شده و سپس دو قوه دیگر به کمک مجلس بایبند تا شاید این اعتماد مردم به صندوق‌های رای تبدیل به عزمی ملی برای تحقق خواست مردم برای تغییر مناسبات غلط سیاسی اجتماعی رایج در جامعه شود. مناسباتی که متأسفانه نهادهای حکومتی و جمله مجلس و مخصوصاً نمایندگان و گروه‌های مردمی در مجلس هستند و بهم در به وجود آمدن آنها نقشی اساسی داشتند. اما بار دهم به بیش از دو سوم نمایندگان آن که از جناح محافظه‌کار بودند و اکثریت دو مجلس گذشته را تشکیل می‌دادند در این انتخابات تغییر کرد. مجلسی که مبصل اصلی شکل‌گیری ناهنجاری‌های کنونی در ساخت قدرت، سیاست و حکومت و روش اداره جامعه و تعامل با مردم بوده و شهروندان ایرانی هم اکنون با استفاده از حقوق قانونی خود و با هجوم به صندوق‌های رای صرفا خواهان تغییر افراد نیستند بلکه منتظر تغییر در نحوه سازماندهی، روند مدیریتی و کارکرد مجلس هستند. ساز و کارهای موجود و به‌ویژه تاز نفیس در مدیریت کمسیون‌ها و مجلس، شکل‌گیری فرآیندهای سیاسی و مسئرجو و جامع و همه‌جانبه با سازماندهی ویژه و در پرتو کار گروهی توسط نمایندگان گاتی که با ارایه برنامه تغییر از مردم رای گرفته‌اند میسر است نه نمایندگان گاتی که هر یک به سهم و نوبه خود در پدید آمدن چنین شرایطی در کشور سهم بوده‌اند. امید است، به چنین نمایندگان با اندیشه محافظه‌کاری در هر سطح، مخالفت صریح با رای و انتخاب و خواسته مردم است. آنها با رای خود به خوبی نشان دادند که به اختلافات درونی از دوگانه محافظه‌کاری و مسائل شخصیتی آنها واقف بوده و در این دام نیفتادند و با گوش دادن به ندای هجوم به صندوق‌های رای لیست امید برای تغییر رای دادند. آنها نه به تغییر شخص بلکه به تغییر اندیشه رای دادند و نمایندگان هم باید با پیروی از این خواست عمومی به تغییر اندیشه برای تغییر مناسبات رای دهند. ان‌شا‌الله.

عصابت راز زمین‌نگذار

۸ سال شمسی و فیلم «واکنش پنجم» خانم میلانی و سینما صبرا و اکران در نخستین سانس با بازی شهاب حسینی که به باور این قلم در آن سال بر اساس داستانه‌های سینمایی‌اش، زیاد دلچسب‌بازی نکرد و کمی بر اساس فیلمنامه نه چندان قوی، که دلیل این به دل نداشتن، شاید از این ناحیه می‌بود... باری بعد از اتمام فیلم و در جلوی سینما که دوستداران شهاب، در حال گفت و امضا گرفتن و شاید عکس انداختن، بودند، صاحب این قلم بعد از عرض ادبی به ایشان، در حضور جمعیت فرارناشز گفتمت که خیلی «عصا قورت» داده بازی کردید در این سینما جهان زنده نگه دارد.

تاز فرهادی یک استثنا است و این موفقیت فقط حاصل تلاش اوست، نگاه رادیکالی به فعالیت‌های او است. خود فرهادی بارها ذکر کرده است که این موفقیت‌ها حاصل تلاش‌های تمام سینماگران ایرانی است و نباید فرهادی را از بدنه سینمای ایران جدا دانست و این مانعیت جدایی او از سینماگران ایرانی به دلیل موفقیت‌هایش نیست براساس فرهادی نتیجه‌ای خواهد داشت و نه برای سینمای ایران و باید پذیریم که فرهادی و سینمای ایران هر دو به هم محتاج هستند.

تیتیر مصور | در حاشیه سقوط هواپیمای مسافربری مصری
علیرضا پاکدل



اونایی که به کاری روبلدن انجامش میدن، اونایی که بلد نیستن تدریسش میکنند...

پرسه در مه - بهرام توکلی

گردون
ابراهیم عمران

فلاش‌بک

اونایی که به کاری روبلدن انجامش میدن، اونایی که بلد نیستن تدریسش میکنند...

گردون
ابراهیم عمران

عصابت راز زمین‌نگذار

۸ سال شمسی و فیلم «واکنش پنجم» خانم میلانی و سینما صبرا و اکران در نخستین سانس با بازی شهاب حسینی که به باور این قلم در آن سال بر اساس داستانه‌های سینمایی‌اش، زیاد دلچسب‌بازی نکرد و کمی بر اساس فیلمنامه نه چندان قوی، که دلیل این به دل نداشتن، شاید از این ناحیه می‌بود... باری بعد از اتمام فیلم و در جلوی سینما که دوستداران شهاب، در حال گفت و امضا گرفتن و شاید عکس انداختن، بودند، صاحب این قلم بعد از عرض ادبی به ایشان، در حضور جمعیت فرارناشز گفتمت که خیلی «عصا قورت» داده بازی کردید در این سینما جهان زنده نگه دارد.

تاز فرهادی یک استثنا است و این موفقیت فقط حاصل تلاش اوست، نگاه رادیکالی به فعالیت‌های او است. خود فرهادی بارها ذکر کرده است که این موفقیت‌ها حاصل تلاش‌های تمام سینماگران ایرانی است و نباید فرهادی را از بدنه سینمای ایران جدا دانست و این مانعیت جدایی او از سینماگران ایرانی به دلیل موفقیت‌هایش نیست براساس فرهادی نتیجه‌ای خواهد داشت و نه برای سینمای ایران و باید پذیریم که فرهادی و سینمای ایران هر دو به هم محتاج هستند.

تاریخ شفاهی
محمدعلی ابیطحی

خاطرات مدیریت رادیو در دهه ۶۰
سلام صبح بخیر

یکی از برنامه‌هایی که در زمان مدیریت من بر رادیو ایران آغاز شد، سلام صبح بخیر بود. تا آن موقع رسم بود که رادیو تلویزیون خیلی بهداشتی جز خوبی در جامعه نبیند. حتی در مسائل اجتماعی هم جز خوبی نمی‌شد چیزی دید. در مشهد که مدیر برنامه‌های رادیو تلویزیون بودم، جوان شادابی به نام جواد آتش‌افروز در آنجا بود که با کمک نویسندگان توانایی از جمله مرحوم احمد خرنسد و حسن معین برنامه‌ای داشتند بنام سلام صبح بخیر. کار اصلی و متفاوت‌شان بخش تلفن‌های مردم بود که مشکلات شهری را می‌گفتند. ساعت هفت تا هفت و نیم صبح زنده اجرا می‌شد ولی تلفن‌هایش از قبل کنترل می‌شد. در اواخر سال ۶۲ که تازه به تغییرات در رادیو مشغول شده بودم، یک روز در قم اصغر بومحمدی را دیدم که از قبل انقلاب خودش و خانواده‌ها هم با هم آشنا بودند. از او دعوت کردم به رادیو بیاید. یک گروهی تعریف می‌شد. از اولین روزها بحث انتقال برنامه سلام صبح بخیر به شبکه سراسری را مطرح کردم. چند تا مشکل وجود داشت. در سطح ملی و در ایام جنگ و رادیوی پرشونده، طرح مشکلات فردی بسیار قابل‌بذیرش بود. نظری می‌رسید. نکته دیگر وجود گویندگان سابقه‌دار در رادیو بودند که با آوردن یک فرد از شهرستان و سپردن برنامه به وی مخالف بودند. دل به دریا زدم. از آتش‌افروز و تیمش خواستم که تهران بیاید. کارمند آموزش و پرورش بود. با نامه‌نگاری در عالی‌ترین سطح بین آقای محمد هاشمی و آقای اکرمی، وزیر وقت آموزش و پرورش به تلویزیون انتقال یافت و در اردیبهشت سال ۱۳۶۳ برنامه سلام صبح بخیر در شبکه سراسری ساعت ۵/۷ شروع به پخش کرد. روزهای اولیه خیلی سخت بود. استقبال مردمی وسیع ولی مسولان کشوری با نگرانی به آن برخورد می‌کردند. در شهر سلام صبح بخیر یک اتفاق بود و سختی را طی کرده تا به اینجا رسیده است.

در همین حوالی
علی فرامرزی

چشمان شوخی که شوخ‌چشمی را فراموش کرد

سال که نوشد او هم آمد، درست در نخستین روز سال، عادتش بود که به موقع بیاید، برای همین هم تاریخ تولد زندی داشت ۱/۱/۱۳۱۰. آمد اما نه در طالقان آن چنان که غالباً گفته‌اند دربارش، بلکه در زنجان جایی که پدرش به ماموریت رفته بود. همیشه به موقع می‌آمد، زود و سروقت، در تمام آن مدت نزدیک به دوسال هم که هر دو هفته یکبار جمع می‌شدیم اگر در تهران بود به موقع می‌آمد با لبخندی و همیشه طنزی برای گفتن. آراسته و مرتب، رانندگی نمی‌کرد، نمی‌دانم بلد بود یا نه؟ محتاط بود و راحت‌طلب، نمی‌دانم پس این همه کار را کی انجام داده بود، همان یکماه کافی بود تا تکلیف خودش را با سیاست روشن کند. «در دوره دبیرستان طرفدار نهضت ملی شدن نفت بودم و به خاطر پخش اعلامیه دستگیر شدم و زندانی و یک‌ماه به یک کمپ نظامی در حدفاصل خرمشهر و آبادان تبعید شدم و همان جا بود که از سیاست متنفر شدم و فهمیدم که باید فقط نقاشی کنم و زندان بافت شد که از سیاست خداحافظی کنم.» البته دروغ می‌گفت چون فقط نقاشی نکرد، روزنامه‌نگاری هم کرد. داستان هم نوشت و باید برای گذران زندگی با موسسات تبلیغاتی همکاری می‌کرد. همان جا نخستین درس زندگی‌اش را گرفت، «گاهی برای گرفتن کار باید بارها و بارها مراجعه می‌کردم و آخر سر با اینکه طرح خوب از کار درمی‌آمد من پولی پرداخت نمی‌کردم و همان جا بود که نخستین درس زندگی‌ام را گرفتم که پول کل هنر مند را به راحتی می‌خورند.» آشنایی‌اش با محمدحسین گنج‌های پور، پدر جغرافیای ایران را در انتشارات فرانکلین، از اتفاقات مهم زندگی‌اش می‌دانست. تجربه‌ای که چراغ راه آینده پرریز در تصویرگری‌ها و بعدتر در نقاشی‌هایش شد. با مساجت نسل ما را از کودکی دنبال می‌کرد. کودک که بودیم کتاب قصه‌های مان را برای مان نقاشی می‌کرد و بعدها خودش دست به کار شد و برای مان داستان نوشت و نقاشی کرد. در دبستان هم دست از سرمان برنداشت، کتاب‌های تاریخ و جغرافی‌های مان را تصویری کرد و انصافا چه خوش‌آهوبورگ

تاریخ شفاهی
محمدعلی ابیطحی

تظلم خواهی. برنامه ریتم مشخصی داشت. هر روز موضوعی انتخاب می‌شد و محور برنامه بود. تلفن‌ها هم در لابه‌لای برنامه پخش می‌شد. علاوه بر تلفن، در سطح شهر گزارش‌هایی بودند که از مردم گزارش می‌گرفتند و آنها را آماده می‌کردند و روزهای بعد پخش می‌شد یا با بی‌سیم به رادیو می‌فرستادند. در ابتدا آقایان غفاری و سنجرلی بیشتر گزارش می‌گرفتند تا آقای شهریار یی هم به این جمع پیوست. فرهاد خسروی، عبداللهی و سعید نعمتی از جمله نویسندگان سلام صبح بخیر بودند. چند ماهی از شروع برنامه که گذشت، وزرا حساسیت نشان دادند. مرتب به نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور چغلی می‌کردند. آن ایام هم زیر سایه امام خمینی همه مسولان در یک جبهه محسوب می‌شدند و به دلیل گزارش‌های سیاسی - مثل آنچه این روزها عادت شده است، حرمت مسولان زیر سوال نمی‌رفت و سیستم تبلیغی که مورد قبول بیشتر مردم بود، خود اجازه نمی‌داد که حرمت‌شکنی کند. اما خیلی زود باور پیدا کرده بودیم که انتقاد تحریک است. سلام صبح بخیر تبدیل به یک نیاز روزانه شده بود. دست‌اندرکاران روزهای پنجشنبه به طور ثابت شهردار تهران مهمان برنامه بود. از آن مهم‌تر اینکه کم‌کم روز سیاستمداران با سلام صبح بخیر آغاز می‌شد. در این اواخر آقای دکتر حبیبی به عنوان معاون اول دولت کارگزاران به اعضای دولت رسماً بخشنامه می‌فرستاد که مسولان همه باید در اول صبح برنامه سلام صبح بخیر را گوش کنند و روابط عمومی ما موظف باشند که پاسخگوی سلام صبح بخیر باشند. حتی یک روزی را سلام صبح بخیر به عنوان روز محیط‌زیست اعلام کرده بود که سرش را بعداً خواهد گشت. از دفتر ریاست جمهوری وقت، آیت‌الله خامنه‌ای تماس گرفتند که به دلیل اهمیت این روز، ایشان می‌خواهند در برنامه سلام صبح بخیر پیام بدهند که ضبط و پخش شود. خیلی از اتفاقات عادی این سال مسیر سختی را طی کرده تا به اینجا رسیده است.

در همین حوالی
علی فرامرزی

چشمان شوخی که شوخ‌چشمی را فراموش کرد

هم بودند و با چه وسواسی. خودش می‌گفت که می‌خواستیم رنگ‌های خشک کلاس درس را برای تان کمی ترازو تر کنما وقتی هم که در کانون پرورش رییس شده بود به دیگران می‌گفت تازه به‌سند و متنوع کار کنید، باگذرد بچه‌ها تجربه کنند، با هر چه دم‌شدشان است، و انصافا چه تاریکی و طراوتی داشت کتاب‌های کانون اگر صندلی‌اش خیلی بود همیشه همان جامی نشست، کنار ستون آجری داخل گالری، کنار مهدی سحابی، بی‌تکبر و بی‌تظاهر، با همه می‌جوشید. داتر المعرفی بود از فرهنگ دوران خودش و خودشان، صحبت‌شان که گل می‌کرد. او رگاهی بود از خاطره و تجربه، فقط صحنه را مجسم کنیدا جواد مجابی، علی قره‌باغی، منوچهر معتبر، گاهی آیدین آغداشلو، کوروش شیشه‌گران، بهزاد شیشه‌گران، نیماپتگر، محمدپلوری و... بیخود نبود که کلاتری می‌گفت تو کلتسونی برای خودت جمع کرده‌ای. بعدها همیشه سراغ آن جلسات را راهم می‌گفت و برای دوباره جمع شدن مان تشویق می‌کرد. روزی هم استفاده می‌کنم، نکته‌هایی که بسیار کمک‌م کرد. روزهی شوخ بود که شوخ‌چشمی را فراموش کرده و بر از سوال نگاهت می‌کرد. بیهوده برایش نوشتم تو باید بر خیزی کوپری، خاک‌آلودمان منتظرات را می‌کشند تا چون نگینی آنها را بر انگشتری موزه‌ها و کاخ سازمان ملل بنشانی‌شان، نه او دیگر بر نخاست اگرچه برای همیشه دوام خود را بر سر جریده عالم ثبت کرده بود.

شماره ۹۵ ماهنامه صنعت منتشر شد

با افزایش سفر هیات‌های تجاری به ایران، ثمرات برجام خود را نشان می‌دهد

در جست و جوی ژئرال

نگاهی به اوضاع بازار خودرو، مسکن، طلا و ارز در سه ماه اول سال

بازارها در آستانه فصل گرم

نگرشی بر تمرکز زدایی و درون زایی اقتصاد و اجتماع ایرانی

چالشی برای بهبود حکمرانی محلی

معاون هماهنگی و نظارت معاون اول رییس جمهوری مطرح کرد:

گام‌های طی شده

وضع کسب و کار و آینده توسعه ایران در تحلیلی جامع از سید محمد بحرینبان

بردارهای متنافر اقتصاد ایران

عملکرد موفقیت آمیز دولت یازدهم در کنترل و مدیریت نقدینگی

عامل رشد یا باعث نگرانی؟

با آثار و گفتاری از:

محمد خوش‌چهره، علی شمس اردکانی، یحیی آل اسحاق، سید حمید حسینی، موسی الرضا نروتی، محمدرضا نجفی منش و ...

WWW.SOWT.IR

معدان شن و ماسه در تهران تعطیل شدند

۹۴ آذر: شهردار منطقه ۱۸ در جلسه امروز شورای شهر تهران درباره تعطیلی معدانی که در آلودگی هوای تهران نقش مهمی دارند، گفت: «زور من به معدان شن و ماسه نمی‌رسد».

۱۲ اردیبهشت: رییس کمیسیون سلامت، شورای شهر تهران از دادگستری تهران درخواست کرد نسبت به جان و مال ساکنین حاشیه این معدان حساسیت بیشتری داشته باشند.

امروز: رییس کمیسیون سلامت شورای شهر، فرمانداری تهران هر گونه فعالیت بهره‌بردار ی از معدان شن و ماسه را ممنوع کرده و سازمان صنعت، معدن و تجارت استان مکلف است از هر گونه برداشت غیرقانونی از معدان جلوگیری کند.

هنر و تجربه
 Art Experience
 www.artexperience.ir

پسرانی با گوش‌های شکسته

کارگردان: نیما شایقی

برنامه‌های پردیس سینمایی فرهنگ پردیس سینمایی کورش پردیس سینمایی چاروسا خانه هنرمندان، موزه سینما پردیس سینمایی هویزه (مشهد) تالار سینمایی سور (اصفهان) هنرنظر (تهران) پردیس سینمایی پرشین (کرج)

acineam.ir

معدان شن و ماسه در تهران تعطیل شدند

۹۴ آذر: شهردار منطقه ۱۸ در جلسه امروز شورای شهر تهران درباره تعطیلی معدانی که در آلودگی هوای تهران نقش مهمی دارند، گفت: «زور من به معدان شن و ماسه نمی‌رسد».

۱۲ اردیبهشت: رییس کمیسیون سلامت، شورای شهر تهران از دادگستری تهران درخواست کرد نسبت به جان و مال ساکنین حاشیه این معدان حساسیت بیشتری داشته باشند.

امروز: رییس کمیسیون سلامت شورای شهر، فرمانداری تهران هر گونه فعالیت بهره‌بردار ی از معدان شن و ماسه را ممنوع کرده و سازمان صنعت، معدن و تجارت استان مکلف است از هر گونه برداشت غیرقانونی از معدان جلوگیری کند.

همچنان ایستاده: این بار نه در غبار

یک نفر در تویتیر نوشته بود: «ای‌وی از اسیری که سالی یکبار پادش کنیم» آن هم پیروزی عملیات آزادسازی خرمشهر. اثار‌هاش به احمد متوسلیان بود؛ فرماندهی که همین صبح روز گذشته در خبری فوری، وزیر دفاع اعلام کرد که نشانه‌هایی از زنده بودنش وجود دارد. اما پیش از این خبر، اهالی دنیای مجازی که جماعت حداکثری از جوان‌های این سرزمین را تشکیل می‌دهند، حواس‌شان به متوسلیان بود. دلیل این اتفاق، دلیل این یادآوری مهم و تفاوت امسال با سال‌های گذشته در خبر فوری وزیر دفاع نبود. دلیلش ساده و سراسرت به قبلی می‌رسد به نام «ایستاده در غبار» و به کارگردانی محمد حسین مهدویان که این روزها قرارداد ری برای اکران عمومی دارد و در جشنواره فیلم فجر با داستان سراسرت زندگی این فرمانده و سرنوشته گمشده در غبارش، مخاطبان این جشنواره را غافلگیر کرد. به سلامتی هر چه تمام‌تر، تنها یک فیلم خوب نام و یاد مردی را زنده کرد که سال‌ها از گمشدنی در مرزهای لبنان می‌گذرد و در این سال‌های سکوت و گمشدگی نامی از او در میان جمعیت جوان ایرانی نبود تا اینکه یک نفر از همان جماعت به سراغش رفت تا ۳۳ سال بعد از فتح خرمشهر، نام متوسلیان دوباره سر خط خبرهای مجازی شد؛ چهره‌ای که همچنان ایستادگی‌اش را حفظ کرده و البته دیگر در غبار نیست.